

نقش قدرت پشت‌گفتمان رژیم صهیونیستی در پیشبرد گفت‌وگو صلح با امارات متحده عربی میثم قهرمان^۱

چکیده

از منظرهای مختلفی می‌توان به موضوع صلح میان رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی نگریست. از منظر تحلیل انتقادی گفت‌وگو، بخشی از ماجرا در زبان یا گفت‌وگو رخ می‌دهد و فهم آن مستلزم بررسی و تحلیل «قدرت در گفت‌وگو» است و بخش دیگری از ماجرا نیز واقعیت غیر گفت‌وگویی را دربر می‌گیرد و برای فهم آن، بررسی ابعاد و مؤلفه‌های «قدرت پشت‌گفتمان» ضروری است؛ چنین بررسی‌ای در سطح تبیین یا کنش اجتماعی صورت می‌گیرد. در این پژوهش، مؤلفه‌ها و ابعاد قدرت پشت‌گفتمان رژیم صهیونیستی در پیشبرد «گفت‌وگو صلح» بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که علاوه بر لابی‌های یهود و سیاست خارجی آمریکا در منطقه خاورمیانه، وابستگی امارات به فناوری‌ها و تولیدات اسرائیلی (که بخشی از این وابستگی‌ها محصول پروژه ایران‌هراسی آمریکا و اسرائیل است)، شرکت‌های دولتی و همچنین شرکت‌های پیشرفته به‌ظاهر خصوصی اسرائیلی را به یکی از مهم‌ترین قدرت‌های پشت‌گفتمان رژیم صهیونیستی در پیشبرد گفت‌وگو صلح بدل کرده، به‌طوری که امارات در طی سالیان اخیر قراردادهای همکاری متعددی را در زمینه‌های مختلفی نظیر نظامی، سایبری، جاسوسی و اطلاعاتی، بهداشتی، کشاورزی، امنیت آبی و غذایی با آن‌ها منعقد کرده است.

کلیدواژه‌ها: قدرت پشت‌گفتمان، کنش اجتماعی، پیمان ابراهیم (آبراهام)، رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی.

مقدمه

توافق‌نامه صلح میان رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی که از آن تحت عنوان «توافق‌نامه صلح ابراهیم (آبراهام)» نیز یاد می‌شود، در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ در محل کاخ سفید - واشینگتن دی.سی - به امضا رسید. بر اساس این توافق، امارات پس از مصر و اردن به سومین کشور عربی و نخستین کشور حاشیه خلیج فارس بدل شد که با به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی، اقدام به عادی‌سازی روابطش با این رژیم کرده است. هرچند روابط غیررسمی امارات و رژیم صهیونیستی از سال‌ها قبل آغاز شده بود اما توافق مذکور با علنی اعلام کردن این روابط، ضمن مشروعیت بخشی به رژیم صهیونیستی می‌تواند به سرآغاز تحول مهم و نقطه عطفی در رابطه اعراب منطقه و رژیم صهیونیستی بدل شود.

در خصوص چگونگی و چرایی برقراری صلح میان رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی می‌توان تحلیل‌های مختلفی را ارائه کرد. به عبارت دیگر، از زوایای مختلفی می‌توان به موضوع عادی‌سازی روابط میان امارات و رژیم صهیونیستی نگریست. برای مثال، لیبرال‌ها، واقع‌گرایان، سازه‌انگاران و ... هر کدام از منظری خاص به این رابطه می‌نگرند و می‌کوشند با برجسته کردن بخشی از ماجرا، تحلیل خود را به عنوان تحلیلی که می‌تواند جزئیات بیشتری را از این رابطه بیان کند، ارائه دهند. در این راستا یکی از رویکردهایی که از قابلیت تحلیلی بسزایی برای توضیح چگونگی ممکن شدن روند صلح میان رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی برخوردار است، «تحلیل گفتمان انتقادی» نورمن فرکلاف است.

از منظر تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، روند صلح میان رژیم صهیونیستی و امارات را از دو منظر مرتبط با یکدیگر باید تحلیل کرد. از منظر نخست، تحلیل چگونگی استقرار و تثبیت گفتمانی به نام گفتمان صلح است. به عبارت دیگر، با زبان یا به تعبیر دقیق‌تر، با «قدرت در گفتمان» به منزله سازنده واقعیت گفتمانی مواجه هستیم.

فهم و تحلیل قدرت در گفتمان صلح بر مبنای نظریه گفتمانی فرکلاف مستلزم به کارگیری روش خاصی است. در این روش ابتدا گفتمان در قالب یک متن درآمد و متن موردنظر از منظرهای مختلف زبان‌شناختی توصیف می‌شود تا از این طریق، ردپای قدرت به واسطه این توصیفات زبان‌شناختی نمایان شود؛ سپس به تفسیر این موضوع پرداخته می‌شود که چگونه متن مذکور از مجموعه متون و گفتمان‌های متنوع و گاه متناقضی تشکیل شده است (اثبات این نکته

1. Critical Discourse Analysis (CDA)

2. Norman Fairclough

که متن به ظاهر منسجم، در واقع یک بینامتنیت^۱ و بیناگفتمانیت^۲ است، در این مرحله نیز با تفسیر متن به دنبال آشکارسازی نوع دیگری از روابط قدرت هستیم.

منظر دوم در ارتباط با واقعیت غیرزبانی یا غیرگفتمانی قرار دارد. به بیان دیگر، فرکلاف علاوه بر واقعیتی که توسط گفتمان برساخته می‌شود، قائل به واقعیت غیرزبانی و غیرگفتمانی نیز است. از این رو، او را می‌توان در زمره رئالیست‌های انتقادی قرار داد. در این منظر، تحلیل‌گر نتایج به دست آمده از دو مرحله قبل را درون زمینه و فضای اجتماعی‌ای که توصیفات زبان‌شناختی و کنش‌های گفتمانی متن می‌کوشند تا درون این زمینه و فضا متمرکز واقع شوند، تبیین می‌کند. در این مرحله، تحلیل‌گر هرچه به زمینه اجتماعی‌ای که متن در آن برای تولید کارکردی ممکن شده است، تسلط بیشتری داشته باشد و به اصطلاح آن را زیست کرده باشد، از قدرت تبیین‌کنندگی بالاتری برخوردار خواهد بود.

یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم در منظر دوم (یعنی کنش اجتماعی^۳ البته از نظر فرکلاف، زبان نیز بخشی از کنش اجتماعی محسوب می‌شود اما تمام کنش اجتماعی را نمی‌توان به زبان تقلیل داد) که کمک فراوانی به درک این منظر می‌کند، موضوع «قدرت پشت‌گفتمان»^۴ است. همان‌طور که گفته شد، در تحلیل گفتمان انتقادی تمام ماجرا درون زبان یا همان گفتمان رخ نمی‌دهد بلکه تحلیل‌گر باید حوزه‌های مهمی از قدرت شکل‌دهنده به یک گفتمان را در واقعیت‌های غیرگفتمانی جست‌وجو کند؛ واقعیت‌های غیرگفتمانی‌ای که در قالب «قدرت‌های پشت‌گفتمانی» نقش بسیار مهمی در استقرار و تثبیت گفتمان صلح میان رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی ایفا کرده‌اند. در این پژوهش می‌کوشیم با محوریت این سؤال که «قدرت پشت‌گفتمان» رژیم صهیونیستی در پیشبرد گفتمان صلح با امارات متحده عربی چه نقشی را ایفا کرده است؟ به بررسی برخی از ابعاد غیرگفتمانی شکل‌دهنده گفتمان صلح میان رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی بپردازیم. شایان ذکر است جهت پاسخ به این سؤال، با مبنا قرار دادن چارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و از طریق مراجعه به اسنادی که عمدتاً از پایگاه‌های خبری - تحلیلی معتبر جهانی جمع‌آوری شده‌اند، به دنبال اثبات این فرضیه هستیم که مهم‌ترین قدرت‌های پشت‌گفتمانی رژیم صهیونیستی در پیشبرد گفتمان صلح، علاوه بر لابی‌های یهود و رویکرد سیاست خارجه آمریکا در منطقه

-
1. Intertextuality
 2. Interdiscursivity
 3. Social Practice
 4. Power Behind Discourse

خاورمیانه، شرکت‌های دولتی و همچنین شرکت‌های نوپای به‌ظاهر خصوصی اسرائیلی هستند؛ این شرکت‌ها با دستاوردهای قابل‌توجه‌شان در حوزه‌های صنایع نظامی و دفاعی، توسعه محصولات و صنایع کشاورزی، دیپلماسی پزشکی (به‌ویژه مبارزه با ویروس کرونا)، علوم و تحقیقات، سایبری و هوش مصنوعی نقش مهمی را در استقرار و تثبیت گفتمان صلح ایفا کرده‌اند.

۱- مروری بر پیشینه پژوهش

تحقیقات انجام‌شده در این حوزه عموماً به موضوع صلح میان رژیم صهیونیستی و اعراب پرداخته‌اند و عمدتاً می‌کوشند به امکان‌سنجی و ارزیابی موانع صلح میان آن‌ها بپردازند. به‌طور کلی نوشتجات طرفدار صلح، از سوی حامیان رژیم صهیونیستی به رشته تحریر درآمده‌اند و خواهان برداشتن موانع صلح میان فلسطین و اسرائیل هستند. برای مثال، ایتامار رابینوویچ^۱ در کتاب «جنگیدن برای صلح: اسرائیل و اعراب در پایان قرن»^۲ ضمن خوش‌بینی به روند صلح معتقد است که شبکه‌ای از منافع، روابط و انتظارات متقابل وقوع صلح میان اعراب و اسرائیل را ممکن خواهد کرد. هرچند از نظر او برطرف شدن موانع و مشکلات بر سر راه صلح به زمان زیادی نیاز دارد. رابینوویچ احیای دوباره روند صلح پس از هر بار شکست و داشتن صبر و استقامت زیاد در این راه را توصیه می‌کند. (Rabinovich, 1999) الن درشوویتس^۳ استاد مدرسه حقوق هاروارد و از حامیان رژیم صهیونیستی در کتاب «کاوشی در باب صلح: چگونه می‌توان ستیز اعراب - اسرائیل را حل کرد»^۴ معتقد است که باید بر روی عناصر مشترک روند صلح متمرکز شد؛ عناصری که هم اسرائیلی‌ها و هم فلسطینیان در مورد آن‌ها توافق دارند. در عین حال او مذاکرات کمپ دیوید را مبنایی برای توافق صلح قرار می‌دهد و از کشور فلسطینی که دارای مناطقی پراکنده و جدا از یکدیگر است، دفاع می‌کند. از نظر درشوویتس به رسمیت شناخته شدن اسرائیل توسط سازمان‌های بین‌المللی، دانشگاهیان و شخصیت‌های برجسته عمومی، خلع صلاح خشونت‌طلبان فلسطینی و اسرائیلی و تقسیم بیت‌المقدس به بخش‌های عربی و یهودی موجبات تسریع روند صلح را فراهم خواهند کرد. (Dershowitz, 2006)

1. Itamar Rabinovich

رابینوویچ رئیس هیئت اسرائیلی در مذاکرات صلح با سوریه (۱۹۹۲-۹۵) و سفیر سابق اسرائیل در ایالات متحده (۹۶-۱۹۹۳) است.

2. Waging Peace: Israel and the Arabs at the End of the Century

3. Alan Dershowitz

4. The Case for Peace: How The Arab-Israeli Conflict Can Be Resolved

مارک تسلا^۱ نیز با هدف بررسی امکان‌ها و موانع صلح میان رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی کتابی را تحت عنوان «اسرائیل در صلح با جهان عرب»^۲ به رشته تحریر درآورده است. او امکان دستیابی طرفین به صلح را بسیار بعید می‌داند و در این خصوص معتقد است که نه در کوتاه‌مدت، حتی در میان‌مدت نیز اسرائیل به صلح دست نخواهد یافت. از نظر او صلح، باعث افزایش مشکلات و تناقضات در دیگر زمینه‌ها می‌شود و در نهایت این شکاف اجتماعی مهم را همچون همیشه عمیق و بالقوه مشکل‌آفرین باقی خواهد گذاشت. (تسلا، ۱۳۸۰)

یکی دیگر از کتاب‌هایی که در آن ضمن بررسی عملکرد بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در روند صلح، تلاش شده تا توصیه‌های استراتژیکی مهمی نیز به جمهوری اسلامی ایران ارائه شود، کتاب «بازیگران صلح خاورمیانه» به قلم محمدباقر سلیمانی است. نویسنده در این کتاب معتقد است که جمهوری اسلامی ایران برای در امان ماندن از تهدیدات احتمالی برقراری صلح میان اعراب و اسرائیل باید استراتژی‌های زیر را مدنظر قرار دهد: «عمیق‌تر کردن پیوند خود با سوریه و لبنان، اجرای سیاست‌های تنش‌زدایی در رابطه با کشورهای عرب منطقه و متقاعد کردن آن‌ها به ناعادلانه بودن روند صلح، گسترش تحرکات دیپلماسی با قدرت‌هایی چون روسیه، اروپا- به‌ویژه فرانسه به دلیل ارتباط سنتی با سوریه و لبنان - هند و چین به‌منظور جلب حمایت آن‌ها در مخالفت با طرح صلح آمریکایی و جلب حمایت کشورهای اسلامی و جنبش عدم تعهد.» (فریادرس، ۱۳۸۰: ۳۱۳)

علاوه بر کتب فوق، مقالات متعددی نیز در باب ویژگی‌ها و ابعاد مختلف صلح میان اعراب و رژیم صهیونیستی نوشته شده‌اند. برای مثال، محمود دهقانی در مقاله «چشم‌انداز صلح خاورمیانه و تحولات اخیر در اسرائیل و فلسطین» که پس از کسب اکثر کرسی‌های پارلمان اسرائیل (کنست) توسط حزب کادیما در سال ۲۰۰۶ نوشته شده است، معتقد است که با توجه به مشیء میانه‌روی این حزب، جامعه فلسطینی خسته از نیم قرن سرکوب و نابسامانی در نهایت راه‌حل دو دولت و تشکیل دولت مستقل فلسطینی در اراضی اشغالی غزه و کرانه باختری را خواهند پذیرفت. (دهقانی، ۱۳۸۵: ۹۷)

مهدی طوسی و علی آزاد در مقاله مشترکی با عنوان «نقش احزاب اسرائیل در روند صلح خاورمیانه (۲۰۱۴-۱۹۹۳)» با مبنا قرار دادن نظریه سازه‌نگاری معتقدند که میان اعراب و اسرائیل هویت‌ها و انتظارات نسبتاً ثابت شکل گرفته که طرفین را وادار می‌دارد یکدیگر را دشمن درجه یک هم به حساب آورند. از نظر ایشان عامل تعیین‌کننده در رفتار احزاب سیاسی در قبال اعراب

1. Mark Tessler
2. Israel at peace with the Arab world

فاکتورهای مادی نبوده، بلکه هنجارهایی است که تأثیر مستقیم بر هویت و منافع یهودیان دارد. (طوسی و آزاد، ۱۳۹۷: ۲۱۵)

همچنین پس از توافقنامه صلح میان رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی چندین مقاله کوتاه راهبردی از سوی اندیشکده‌ها و مراکز راهبردی منتشر شد که از لحاظ سبک نوشتاری به شیوه گزارش‌نویسی راهبردی شباهت دارند. برای مثال، سید رضی عمادی در مقاله‌ای با عنوان «توافق صلح امارات و رژیم صهیونیستی: اهمیت، اهداف و پیامدها» که توسط اندیشکده راهبردی تبیین منتشر شد، امارات متحده عربی را بازنده اصلی این توافق می‌داند و معتقد است حاکمان امارات باید منتظر روزی باشند که مردم این کشور، روابط رسمی با رژیم صهیونیستی و مداخله این رژیم در امور داخلی امارات را به‌عنوان دلیلی برای تظاهرات ضد دولتی و برکناری حکام خود بیان کنند. همچنین از نظر نویسنده، عادی‌سازی روابط اعراب-رژیم صهیونیستی در واقع سازگاری جهان عرب با اشغال‌گری و پذیرش امتیازات رژیم صهیونیستی در خصوص زمین و جمعیت است. به‌بیان دقیق‌تر، یکی از پیامدهای اصلی این توافق این است که مبنای صلح کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی را تغییر داد. تاکنون برخی کشورهای عربی بر مبنای «زمین در برابر صلح» با رژیم صهیونیستی توافق صلح را امضا کرده بودند، اما امارات معادله «صلح در برابر صلح» را جایگزین «زمین در برابر صلح» کرد. (عمادی، ۱۳۹۹)

یکی دیگر از گزارش‌های راهبردی پس از صلح میان امارات و بحرین با رژیم صهیونیستی توسط جرمی بوئن^۱ سردبیر بخش خاورمیانه بی.بی.سی، تحت عنوان «توافق امارات و بحرین با اسرائیل، دلایل اهمیت این توافق چیست» ارائه شد. او در این گزارش مدعی است که این توافقنامه‌ها از پنج جنبه اهمیت دارند که عبارت‌اند از:

- (۱) کشورهای حوزه خلیج فارس این توافق‌ها را فرصتی برای تجارت بیشتر می‌بینند.
- (۲) اسرائیل انزوای منطقه‌ای خود را کاهش می‌دهد.
- (۳) دونالد ترامپ کودتای سیاست خارجی را جشن می‌گیرد.
- (۴) فلسطینی‌ها احساس خیانت می‌کنند.
- (۵) ایران در دسر استراتژیک تازه‌ای دارد. (بوئن، ۲۰۲۰)

ایدی کوهن^۱ در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۰ گزارش راهبردی‌ای را تحت عنوان «قطر از اعراب ضد خلیج و طرفدار ایران است»^۲ برای مرکز مطالعات استراتژیک بگین-سادات^۳ نوشته است. در این گزارش بر این نکته تأکید می‌شود که جهان عرب در حال حاضر نسبت به مسئله صلح موضعی یکپارچه را اتخاذ کرده، تنها کشور عربی که به‌عنوان متحد ایران با استقرار صلح میان اعراب و اسرائیل مخالفت می‌کند، قطر است. او نتیجه می‌گیرد تقابل میان اعراب و اسرائیل به‌سرعت در حال تغییر کردن به تقابل ایران با اعراب و اسرائیل است. این تغییر در تقابل باعث شده است تا هر دو طرف اتحادهای استراتژیک خاصی را شکل دهند. (Cohen, 2020)

در نهایت ذکر این نکته ضروری است، آنچه این پژوهش را از سایر تحقیقات انجام‌شده در این حوزه متمایز می‌کند، نگرستن به مسئله صلح میان رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی به‌واسطه برخی ابزارهای تحلیلی‌ای است که نظریه تحلیل گفتمان انتقادی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. به‌عبارت دیگر، مفهوم «قدرت پشت‌گفتمان» در تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، این امکان را فراهم می‌کند که به بررسی قدرت غیرگفتمانی رژیم صهیونیستی که در پیشبرد گفتمان صلح نقش به‌سزایی را ایفا کرده است، بپردازیم. بنابراین، یافته‌های این پژوهش می‌تواند در مرحله کنش اجتماعی تحلیل گفتمان انتقادی یاری‌رسان باشد. (هرچند زبان نیز بخشی از کنش اجتماعی محسوب می‌شود اما بخش مهمی از این کنش توجه به قدرت‌های پشت‌گفتمانی است.)

نکته دیگری که می‌تواند دستاورد نظری پژوهش تلقی شود، تأکید بر مفهوم قدرت پشت‌گفتمان به‌عنوان بخشی از مرحله کنش اجتماعی است. به‌بیان دیگر، محققان تحلیل گفتمان عموماً مراحل یا سطوح اول و دوم تحلیل گفتمان (یعنی سطوح توصیف و تفسیر) را جدی‌تر تلقی می‌کنند و در سطح تبیین مباحث، یعنی ارتباط برقرار کردن دو سطح اول با زمینه، واقعیت و کنش اجتماعی چندان موفق عمل نمی‌کنند، به‌تعبیری عموماً محققان تحلیل گفتمان انتقادی بحث قدرت پشت‌گفتمان را یا مطرح نمی‌کنند و از ضرورت ارتباط آن با سطوح دیگر تحلیل غافل هستند یا آن را به‌عنوان بخشی از سطح کنش اجتماعی در نظر نمی‌گیرند. در این پژوهش، با تأکید

1. Edy Cohen
2. Qatar Is Pro-Iran and Anti-Gulf Arabs
3. BESA Center

نام این مرکز از ترکیب نام «مناخیم بگین» نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی و «انور سادات» رئیس‌جمهور سابق مصر به‌وجود آمده و در حقیقت یادآور پیمان «کمپ دیوید» است.

بر اهمیت بحث قدرت پشتِ گفتمان نشان خواهیم داد که در پیشبرد گفتمان صلح، قدرتِ پشتِ گفتمان رژیم صهیونیستی نقش قابل توجهی را ایفا کرده است.

۲- چارچوب مفهومی: قدرتِ پشتِ گفتمان

مفهوم محوری مورد استفاده در این پژوهش، مفهوم «قدرتِ پشتِ گفتمان» نزد فرکلاف است. برای درک این مفهوم، نخست ضروری است، به طور اجمالی نظریه تحلیل گفتمان فرکلاف و رویکرد میانه‌ای که او در تحلیل گفتمان اتخاذ کرده است، توضیح داده شود. در واقع، با این توضیحات، جایگاه واقعیت اجتماعی و قدرتِ پشتِ گفتمان در اندیشه فرکلاف مشخص خواهد شد. پس از مشخص شدن این جایگاه، به تشریح مفهوم «قدرتِ پشتِ گفتمان» خواهیم پرداخت.

۲-۱. تحلیل گفتمان نزد فرکلاف

رویکرد فرکلاف در تحلیل گفتمان، ضمن آن که وام‌دار تلاش‌های فکری نشانه‌شناسان اجتماعی است و در ارتباط با رویکرد «لاکلاو و موف»^۱ به گفتمان عرضه شده است، اما تمایزات بارزی با رویکرد آن‌ها نیز دارد. نظریه گفتمان لاکلاو و موف از این عقیده ناشی می‌شود که حوزه اجتماع به‌نحوی همان نظام نشانه‌شناختی است که در آن مبارزه بر سر تعریف نشانه‌ها و تلاش برای تثبیت معنا جاری و ساری است. کارویژه اصلی نظام نشانه‌شناسی اجتماعی بازتعریف جهان به شیوه خودش است. در این جهان تعریف‌شده، سوژه‌ها و گروه‌های اجتماعی هویت می‌یابند. (بخشایش اردستانی، ۱۳۸۸: ۵۷) بنابراین، این دو معتقد به گفتمانی بودن تمام موضوعات (ابژه‌ها) و رفتارها^۲ هستند. (هوارت، ۱۳۷۹: ۱۳۹) به عبارت دیگر، قابل فهم شدن اشیاء و رفتارها تنها به واسطه معانی محصول گفتمان‌ها امکان‌پذیر است. در نتیجه، از نظر لاکلاو و موف ما در پیله‌ای به نام زبان محصور شده‌ایم و تنها از درون زبان است که با جهان در ارتباطیم. واقعیت همین نام‌ها و معناها هستند و ما از دریچه این معانی با جهان مواجه می‌شویم.

نورمن فرکلاف به عنوان رئالیستی انتقادی، با تحلیل زبان‌شناسانه متون و بررسی رابطه آن‌ها با واقعیت و قدرت، توانست گرایشی بینابینی در نظریه‌های گفتمان ایجاد کند. (حقیقت و حسینی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۵) از نظر فرکلاف گفتمان مجموعه به هم تافته‌ای از سه عنصر کنش اجتماعی، کنش گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن است، و تحلیل یک گفتمان خاص،

1. Power Behind Discourse
2. Laclau and Mofe
3. Practices

تحلیل هر یک از این سه بُعد و روابط میان آن‌ها را طلب می‌کند: «فرضیه ما این است، پیوندی معنادار میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌هایی که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند و تعبیر می‌شوند و ماهیت عمل اجتماعی وجود دارد.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۸-۹۶)

به تعبیر مک دانل گفتمان نیز جریان و بستری است که دارای زمینه‌ای اجتماعی است. اظهارات و مطالب بیان شده، گزاره‌ها و قضایای مطرح شده، کلمات و عبارات مورد استفاده و معانی آن‌ها جملگی بسته به این نکته دارند که مطالب بیان شده، گزاره‌های مطرح شده، قضایای مفروض و ... کی، کجا، چگونه، توسط چه کسی، له یا علیه چه چیزی یا چه کسی صورت گرفته‌اند. به بیان دیگر، بستر زمانی، مکانی، موارد استفاده و سوژه‌های استفاده‌کننده هر مطلب، یا گزاره و قضیه تعیین‌کننده شکل، نوع و محتوای هر گفتمان به‌شمار می‌روند. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۷-۱۶) بر این اساس است که در نهایت گفتمان شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن است. (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۷)

در نتیجه، گفتمان‌ها وجوهی از جهان را چنان بازنمایی می‌کنند که امور خاصی را در عرصه اجتماعی، تضعیف یا تقویت کنند و این بازنمایی از منظر تحلیل انتقادی گفتمان محصول کاربرد قدرت و ایدئولوژی است؛ زیرا در این نگاه، ایدئولوژی متضمن بازنمود جهان از دید منافی خاص و ابزار ایجاد و حفظ روابط نابرابر قدرت در جامعه است. فرکلاف معتقد است که ایدئولوژی معنا در خدمت قدرت است. (Fairclough, 1995: 14) اگر مشخصه‌ای از بافت و جامعه به‌طور کلی بر گفتار و نوشتار تأثیر گذارد (و برعکس)، مسلماً آن مشخصه قدرت است (ون‌دایک، ۱۳۸۹: ۸۹) و کاربست قدرت در جوامع امروزی به‌طور روزافزونی به‌واسطه ایدئولوژی، علی‌الخصوص از طریق کارکردهای ایدئولوژیک زبان شکل می‌گیرد. (Fairclough, 1996: 2)

۲-۲. رویکرد روش‌شناختی فرکلاف

همان‌گونه که بیان شد، فرکلاف گفتمان را مجموعه‌ای به‌هم تافته از سه عنصر کنش اجتماعی، کنش گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن می‌داند و تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هر یک از این سه بُعد و روابط میان آن‌ها را طلب می‌کند. به عبارت دیگر، رویکرد فرکلاف نوعی تحلیل گفتمان متن‌محور است که تلاش می‌کند سه سنت را با یکدیگر تلفیق کند:

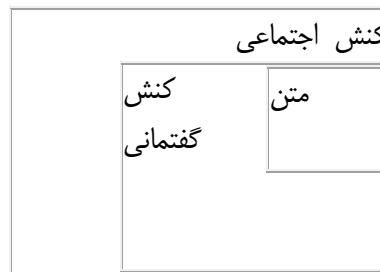
- تحلیل مفصل و دقیق متن در حوزه زبان‌شناسی (شامل گرامر کارکردی مایکل هالییدی)؛

1. Statements
2. Premises

- تحلیل جامعه‌شناختی کلان کنش اجتماعی (که روش‌شناسی مشخصی برای تحلیل متن در اختیار ما قرار نمی‌دهد)؛

- سنت تفسیری و خُرد در جامعه‌شناسی (شامل اتنومتدولوژی و تحلیل گفت‌وگو)، که بر اساس این‌ها زندگی روزمره محصول کنش‌های اجتماعی افراد به‌شمار می‌آیند؛ کنش‌هایی که بر اساس پیروی از مجموعه‌ای از قواعد و رویه‌های «معرفت عامیانه» مشترک انجام می‌گیرند. (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۷)

فرکلاف این مفاهیم را در مدل سه بعدی تحلیل قرار داده است. از نظر وی تحلیل گفتمان رویداد ارتباطی باید هر سه بعد را تحت پوشش قرار دهد.



شکل شماره ۱. تحلیل مدل سه بعدی فرکلاف

به عبارت دیگر، فرکلاف رابطه متن با زمینه متن را این‌گونه ترسیم کرده است: متن از مجموعه‌ای عناصر تشکیل شده که با یکدیگر مرتبط هستند؛ این متن در یک فرآیند گسترده تولید و تفسیر می‌شود؛ این مجموعه (بافت متن، فرآیند تولید و تفسیر) تحت شرایط اجتماعی شکل می‌گیرد. (حقیقت، ۱۳۹۱: ۵۴۳)

بنابراین، کنش گفتمانی میانجی بین متن و کنش اجتماعی است. از این‌رو، فقط به واسطه کنش گفتمانی که مردم برای تولید و مصرف متون به کار می‌برند، متون توسط کنش اجتماعی شکل می‌گیرد و به آن‌ها شکل می‌دهد. به‌طور هم‌زمان متن (خصایص زبان‌شناختی صوری) هم فرآیند تولید و هم فرآیند مصرف متن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۸۶) با این وجود تحلیل باید بر موارد زیر استوار باشد:

سطح توصیف: هر رخداد ارتباطی یک متن است (تحلیل ساختار زبانی، قواعد گرامری و...)
سطح تفسیر: هر رخداد ارتباطی یک کنش گفتمانی است (تحلیل گفتمان‌هایی که در تولید و مصرف متن وجود دارند).

سطح تبیین: هر رخداد ارتباطی دارای کنش اجتماعی است (ملاحظات مربوط به اینکه گفتمان‌های موجود در متن از چه بافت اجتماعی به وجود آمده‌اند و نظم گفتمانی مستقر را بازتولید یا به عکس ساختاریندی مجدد و متضادی از آن انجام می‌دهند.) (نوذری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۹) در نتیجه، فرکلاف به واسطهٔ بُعد زبانی واقعیت به ما می‌آموزد که چگونه یک حقیقت وجود ندارد بلکه «حقیقت‌ها» یا نسخه‌های گوناگون و گاه متعارض از آن وجود دارد و زبان بر یک واقعیت پایدار دلالت نمی‌کند بلکه فهم‌های ممکن متعددی از واقعیت را تولید می‌کند.

به عبارت دیگر، کار نویسندهٔ متن این است که دیگران را متقاعد کند که ادعاها و تفسیرهای وی «قابل قبول» و «ممکن» هستند و اینکه او این ادعاها و تفسیرها را بدون مبنا ارائه نکرده است؛ از سوی دیگر، کار تحلیل‌گر انتقادی گفتمان این است که با واکاوی متن از رهگذر دیالکتیک پیچیدهٔ میان متن، کنش گفتمانی و واقعیت و کنش اجتماعی، بی‌مبنا بودن بخش زبانی واقعیت را از این جهت که استدلال‌های ارائه شدهٔ نویسنده در خدمت منافع و بازتولید قدرت خاصی است، نشان دهد. به عبارت دیگر، این دیالکتیک پیچیده در خدمت منافع و بازتولید قدرتی خاص، همان امر سیاسی نزد فرکلاف است. برای مثال در تحلیل متن، تحلیل‌گر باید نشان دهد که چرا به واسطهٔ بینامتنیت، از میان کثرت متنوعی از متون، چنین ترکیبی انتخاب شده است و چه دال مرکزی معنابخش و چه مفروضاتی این متن را منسجم کرده‌اند؛ علاوه بر این، در خدمت بازتولید کدام قدرت و چه منفعی، دال‌ها از کثرت معانی خود تهی شده و تنها یک معنای ممکن را برگزیده‌اند.

بنابراین، رویکرد فرکلاف نوعی تحلیل گفتمان متن‌محور است که در آن با وجود اینکه نقطهٔ شروع، متن است اما متن در ارتباط منطقی با کنش گفتمانی و اجتماعی قرار دارد، بدین ترتیب نشان داده می‌شود که از منظر تحلیل انتقادی گفتمان، مقاومت و تحول نه‌تنها ممکن، بلکه همواره در حال وقوع است.

۲-۳. قدرت پشتِ گفتمان

همان‌طور که گفته شد نزد فرکلاف علاوه بر قدرتی که از رهگذر تولید گفتمان در عرصهٔ اجتماعی تأثیرگذار است، با واقعیت غیرگفتمانی نیز مواجه‌ایم که دامنهٔ نفوذ گفتمان‌ها وابسته به روابط قدرتِ حاکم در این سطح غیرگفتمانی است. به عبارت دیگر، واقعیت گفتمانی برای گسترش دامنهٔ تأثیرگذاری‌اش نیازمند قدرتی است که فرکلاف آن را «قدرت پشتِ گفتمان» می‌نامد. این قدرت

۱. فرکلاف روابط قدرت را در سطح میکرو بررسی نمی‌کند، روابط قدرت برای او در سطح ماکرو جاری است و بیشتر جنبهٔ پشتِ گفتمانی دارد.

بخش مهمی از وجه غیرزبانی و غیرگفتمانی را نزد فرکلاف تشکیل می‌دهد که معمولاً در تحلیل‌های گفتمانی‌ای که با محوریت نظریه گفتمانی فرکلاف انجام می‌شوند، توجه کمی به آن می‌شود.

حال با این سؤال مواجه می‌شویم که فرکلاف چگونه میان واقعیت گفتمانی و واقعیت غیرگفتمانی ارتباط برقرار می‌کند؟ به بیان دیگر، قدرت پشت گفتمان در چه سطحی از تحلیل گفتمانی فرکلاف باید در نظر گرفته شود؟ برای پاسخ به این سؤال نیز ابتدا باید رویکرد روش‌شناختی فرکلاف را که در بخش قبل در قالب سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین شرح داده شد، بر اساس تمایزی که فرکلاف میان دو نوع قدرت یعنی «قدرت در گفتمان»^۱ و «قدرت پشت گفتمان» می‌گذارد، توضیح داد.

«قدرت در گفتمان» در ارتباط با گفتمان به مثابه مکانی که در آن روابط قدرت عملاً اعمال و به نمایش گذاشته می‌شود، قرار دارد و تمرکز «قدرت پشت گفتمان» بر این است که چگونه انواع خاصی از گفتمان‌ها توسط روابط قدرت شکل می‌گیرند و قوام می‌یابند. (Negm, 2015: 285) به عبارت دیگر، مبارزه در سطح موقعیت‌مند و وابسته به شرایط، می‌تواند به عنوان تلاشی برای کسب «قدرت در گفتمان» در نظر گرفته شود، در حالی که مبارزات نهادی و اجتماعی را می‌توان به منزله «قدرت پشت گفتمان» توصیف کرد. (Ibid)

فرکلاف در این باره چنین توضیح می‌دهد: می‌توانیم بگوییم که بر مبنای «قدرت در گفتمان»، گفتمان محل مبارزات قدرت است و از منظر «قدرت پشت گفتمان»، گفتمان یک برگ برنده در مبارزات قدرت محسوب می‌شود و جهت کنترل بر نظم‌های گفتمانی، مکانیسمی قدرتمند برای حفظ قدرت است. (Fairclough, 1996: 74)

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که «قدرت در گفتمان» مربوط به سطوح توصیف و تفسیر است و به عنوان شکلی از کنش اجتماعی به شیوه‌های گوناگونی اعمال می‌شود. برای مثال در مواجهات رودررو یا در گفتمان رسانه‌های جمعی، قدرت پشت گفتمان در ارتباط با سطح تبیین قرار دارد و توضیح‌دهنده شکل‌گیری نظم‌های کنش‌های اجتماعی است که توسط روابط قدرت شکل گرفته و قوام یافته‌اند.

هیلاری جنکس^۲ به‌طور دقیق‌تری ارتباط انواع قدرت (قدرت در گفتمان و قدرت پشت گفتمان) را با سطوح روش‌شناختی فرکلاف توضیح داده است. او نشان می‌دهد که چگونه تحلیل انتقادی گفتمان از طریق ابعاد سه‌گانه به هم مرتبط فرکلاف (ابعادی که همانند جعبه‌هایی که

1. Power in Discourse

2. Hillary Janks

درون یکدیگر قرار می‌گیرند، عمل می‌کنند) می‌تواند به‌مثابه ابزاری تحقیقی مورد استفاده قرار گیرد. نخستین بُعد نمایانگر بخش گفتمانی است، یعنی ابژه تحلیل (شامل متون کلامی، بصری یا کلامی و بصری). (Janks, 1997: 26) دومین بُعد می‌تواند به‌عنوان منظر زمینه‌ای در نظر گرفته شود، یا مکانی که در آن مبارزات بر سر روابط قدرت در گفتمان به‌وقوع می‌پیوندد، یا به تعبیر جنکس بُعدی که در آن «فرآیندهایی که به‌واسطه آن‌ها، ابژه تولید و توسط سوژه‌های انسانی پذیرفته می‌شود.» (فرآیندهایی نظیر نوشتار، گفتار، طراحی و خواندن، گوش دادن و مشاهده کردن). (Ibid)

سرانجام، سومین بُعد گفتمان می‌تواند به‌منزله «قدرت پشت‌گفتمان» یا کنش‌های اجتماعی در نظر گرفته شود، زیرا دربرگیرنده «شرایط تاریخی- اجتماعی حاکم بر این فرآیندها [فرآیندهای تولید و پذیرش] است.» (Ibid) برای هر بُعد، نوع متفاوتی از تحلیل باید صورت گیرد: برای بُعد نخست «تحلیل متن» یا توصیف، برای بُعد دوم، «تحلیل فرآیندی» یا تفسیر و برای بُعد سوم «تحلیل اجتماعی» یا تبیین. (Ibid)

جعبه‌های تودرتویی که جنکس بیان می‌کند، به‌خوبی نشان می‌دهند که کنش اجتماعی به‌عنوان بزرگترین جعبه هم‌دربرگیرنده سطوح توصیف و تفسیر و روابط قدرت مختص این سطوح یعنی «قدرت در گفتمان» است و هم شامل «قدرت پشت‌گفتمان». به‌بیان دیگر، در این سطح تمام سطوح در یک رابطه رفت و برگشتی با یکدیگر در نظر گرفته شده و بدین ترتیب، تحلیل نهایی صورت می‌گیرد. نکته حائز اهمیت این است که بدون در نظر گرفتن «قدرت پشت‌گفتمان» نمی‌توان سطح کنش اجتماعی و روابط قدرت حاکم بر آن را فهم کرد.

در تحلیل نهایی، کنش‌های اجتماعی را می‌توان مفصل‌بندی انواع گوناگون عناصر اجتماعی‌ای دانست که با حوزه‌های خاصی از زندگی اجتماعی مرتبط‌اند. نکته مهم در باب کنش‌های اجتماعی این است که آن‌ها گفتمان (در نتیجه زبان) را با سایر عناصر اجتماعی غیرگفتمانی به یکدیگر مرتبط می‌کنند. می‌توانیم هر کنش اجتماعی را مفصل‌بندی‌ای از این عناصر بدانیم:

۱) کنش و برهم کنش،

۲) روابط اجتماعی،

۳) افراد (با عقاید، نگرش‌ها، سرگذشت‌ها و غیره)،

۴) جهان مادی،

۵) گفتمان. (Fairclough, 2003: 25-26)

به عبارت دیگر، در حوزه‌های خاص زندگی اجتماعی، کنش‌های اجتماعی را می‌توان شیوه‌هایی برای کنترل انتخاب برخی امکان‌های ساختاری و حذف امکان‌های دیگر و همچنین حفظ و ابقای این انتخاب‌ها در طول زمان در نظر گرفت. (Ibid)

۳- قدرت پشت‌گفتمان رژیم صهیونیستی در پیشبرد گفتمان صلح با امارات متحده عربی

همان‌گونه که در بخش چارچوب نظری توضیح داده شد، در نظر گرفتن «قدرت پشت‌گفتمان» یکی از مراحل مهم تحلیل انتقادی گفتمان محسوب می‌شود. با این وجود، برای انجام تحلیل انتقادی گفتمان باید قدرت پشت‌گفتمان در ارتباط با سطوح دیگر تحلیل انتقادی گفتمان در نظر گرفته شود. از آنجایی که در این پژوهش صرفاً به دنبال برجسته کردن ابعاد غیرگفتمانی یا به تعبیر دقیق‌تر، نقش قدرت پشت‌گفتمان رژیم صهیونیستی در پیشبرد گفتمان صلح با امارات متحده عربی هستیم، می‌کوشیم تا با اشاره به مهم‌ترین ابعاد روابط قدرت غیرگفتمانی رژیم صهیونیستی، بخش مهمی از سطح کنش اجتماعی گفتمان صلح میان امارات و اسرائیل را تشریح کنیم. در ادامه برخی از مؤلفه‌های اساسی «قدرت پشت‌گفتمان» رژیم صهیونیستی آورده می‌شوند.

۳-۱. نقش لابی‌های یهود و سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه در پیشبرد گفتمان صلح

یکی از مهم‌ترین مواردی که هنگام تحلیل در سطح کنش اجتماعی باید در نظر گرفته شود، اولویت‌های سیاست خارجه ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه و نقش لابی‌های یهود آمریکا در جهت‌دهی به این سیاست‌ها است. بر اساس گزارشی که توسط بیست و سه استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و با حمایت دانشگاه هاروارد، مؤسسه رابز، مرکز نیکسون و مرکز تحقیقات علمی و مسائل بین‌المللی بلفر و به سرپرستی «گراهام آلیسون» و «رابرت بلک ویل» تهیه شده است، منافع خاورمیانه‌ای آمریکا در سه سطح به شرح زیر رده‌بندی شده‌اند:

(۱) منافع ملی حیاتی،

(۲) منافع ملی خیلی مهم،

(۳) منافع ملی.

در هر یک از رده‌های فوق، منافع به ترتیب اولویت ذکر و بررسی شده‌اند. منافع ملی حیاتی آمریکا در منطقه خاورمیانه به ترتیب زیر بیان شده‌اند: الف) بقای اسرائیل، ب) تضمین تداوم جریان نفت به بازار آزاد، ج) جلوگیری از دستیابی دولت‌های منطقه به سلاح‌های گستر جمع.

شایان ذکر است، در منافع ملی بسیار مهم نیز تداوم و توفیق فرآیند صلح اعراب و اسرائیل در بند دوم ذکر شده است. (موسوی‌فر، ۱۳۹۵: ۵۰۲)

از نظر ریچارد نیکسون نفت و اسرائیل منافع اصلی آمریکا در خاورمیانه هستند. (نیکسون، ۱۳۷۱: ۲۶۶) گراهام فولر نیز منافع خاورمیانه‌ای آمریکا را به ترتیب اهمیت چنین رده‌بندی می‌کند:

- ۱) حفاظت از منابع انرژی و تداوم جریان آن به غرب؛
- ۲) حمایت پیوسته آمریکا از امنیت، بقا و رفاه اسرائیل؛
- ۳) کمک به دولت‌های دوست برای تضمین و تقویت ثبات کلی منطقه؛
- ۴) دسترسی آمریکا به بازارهای منطقه و حفظ تداوم و نفوذ سیاسی. (Fuller, 1990: 419) به نقل از موسوی‌فر، ۱۳۹۵: ۵۰۲-۵۰۳)

مشاهد می‌کنیم که حفظ و بقای رژیم صهیونیستی و به تبع آن، عادی‌سازی روابط این رژیم با کشورهای عربی یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجه آمریکا در منطقه خاورمیانه است. گفتنی است، به دلیل جایگاه منحصربه‌فرد لابی‌های یهود به‌ویژه در سیاست خارجه ایالات متحده، راهبردهای کلان آمریکا در منطقه خاورمیانه به‌شدت تحت تأثیر خواست‌ها و فعالیت‌های این لابی‌ها قرار دارد. رؤسای جمهور ایالات متحده معمولاً تلاش می‌کنند تا ارتباطات کم‌تنشی را با لابی‌های یهود داشته باشند. در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ، ارتباط او با برخی لابی‌ها و ثروتمندان یهودی بسیار نزدیک‌تر از قبل دنبال شد. برای مثال می‌توان به ارتباط نزدیک لابی «شورای اسرائیلی-آمریکایی»^۱ و مهم‌ترین حامی مالی این لابی یعنی «شلدون ادلسون»^۲ با ترامپ اشاره کرد. ترامپ بارها در نشست‌های «شورای اسرائیلی-آمریکایی» شرکت و ادلسون نیز کمک‌های مالی فراوانی به ترامپ کرده است. از جمله این کمک‌ها می‌توان به کمک ۱۰۰ میلیون دلاری ادلسون به کمپین انتخاباتی ۲۰۲۰ ترامپ و جمهوری‌خواهان اشاره کرد. (The Guardian, 2020) برخی منابع نظیر تایمز اسرائیل مبلغ این کمک را ۵۰ میلیون دلار گفته‌اند. (Kampeas, 2020)

به‌طور کلی، ارتباطات قابل توجه ترامپ با لابی‌های یهودی که به دنبال تنش‌زدایی با اعراب و برقراری صلح با آنها هستند، باعث شد تا روند صلح میان رژیم صهیونیستی و اعراب با جدیت بیشتری از سوی ترامپ دنبال شود. البته در کنار نفوذ لابی‌های یهود، نباید ضرورت انحراف افکار عمومی

1. Israeli-American Council
2. Sheldon Gary Adelson

آمریکا از بحران‌های ناشی از سیاست‌های داخلی ترامپ به‌ویژه در مبارزه با کرونا، آن هم در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ را در سطح کنش اجتماعی منجر به صلح نادیده گرفت. نقش شرکت‌های دولتی و شرکت‌های نوپای خصوصی رژیم صهیونیستی در پیشبرد گفتمان صلح در بررسی سطح کنش اجتماعی یکی از مهم‌ترین قدرت‌های پشت‌گفتمانی رژیم صهیونیستی است که باید در تحلیل این سطح لحاظ شود. بخش مهمی از فعالیت‌های شرکت‌های نوپای ظاهراً خصوصی اسرائیل در سال‌های اخیر در راستای پیشبرد صلح با امارات متحده عربی سازماندهی شده است. این شرکت‌ها در زمینه‌های مختلفی فعالیت می‌کنند و در سال‌های گذشته و به‌ویژه در روزهای منتهی به صلح، خدمات متنوعی را از تسلیحات نظامی و صنایع دفاعی گرفته تا مبارزه با کرونا و خدمات پزشکی به امارات متحده عربی ارائه داده‌اند. در ادامه با محوریت خدمات صورت‌گرفته به بخشی از این شرکت‌ها اشاره می‌شود.

۲-۳. شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات تسلیحات نظامی و صنایع دفاعی به امارات متحده عربی

یکی از مهم‌ترین قدرت‌های پشت‌گفتمانی رژیم صهیونیستی در پیشبرد گفتمان صلح با امارات متحده عربی، شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات تسلیحات نظامی و صنایع دفاعی هستند. ایالات متحده و رژیم صهیونیستی از یک سو با حمایت از فعالیت‌های گروه‌های تندرو و رادیکال اسلامی در خاورمیانه و از سوی دیگر با پیشبرد گفتمان ایران‌هراسی در پی القای نیازمندی کشورهای عربی منطقه به تسلیحات نظامی و صنایع دفاعی می‌باشند تا از این طریق ضمن دستیابی به درآمدهای کلان، موجب وابستگی کشورهای منطقه به آن‌ها نیز شوند. بدین‌جهت، شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات تسلیحات نظامی و صنایع دفاعی رژیم صهیونیستی یکی از قدرت‌های پشت‌گفتمانی مهم در سطح کنش اجتماعی گفتمان صلح میان امارات و رژیم صهیونیستی محسوب می‌شوند. در ادامه به رابطه چند نمونه از این شرکت‌ها با امارات متحده عربی پس از علنی شدن صلح میان امارات و رژیم صهیونیستی اشاره می‌شود.

شرکت البیت سیستمز^۱ یا سامانه‌های البیت در حال حاضر دومین شرکت بزرگ اسلحه‌سازی رژیم صهیونیستی و بزرگ‌ترین شرکت خصوصی اسلحه‌سازی این رژیم محسوب می‌شود که طیف گسترده‌ای از تجهیزات دفاعی و جنگ‌افزاری را تولید می‌کند، که شامل سامانه‌های ارتباطات رادیویی، هواپیماهای بدون سرنشین، انواع رادارها، تجهیزات نیروی دریایی، سلاح‌های

1. Elbit Systems

کنترل از راه دور و جنگ‌افزارهای الکترونیکی است.^۱ البیت سیستمز تولیدکننده ۸۵ درصد پهپادهای ارتش اسرائیل است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها هرمس ۲۹۰۰ است که در طول حمله مرگبار رژیم صهیونیستی به غزه در سال ۲۰۱۴ از این پهپاد استفاده گسترده‌ای شد. (Who Profits, 2014)

گزارشی که به‌تازگی در وبسایت خبری «گاردین سریلانکا»^۳ منتشر شده، مدعی است که البیت سیستمز به تازگی دفتر خود را در امارات تأسیس کرده است. (Hazani, 2020) البته آنچه که مشخص است ارتباطات گسترده البیت سیستمز با امارات قبل از تشکیل این دفتر و حتی قبل از علنی‌شدن صلح رژیم صهیونیستی با امارات است. بر این اساس، وبسایت خبری «سی‌تک»^۴ که وابسته به رژیم صهیونیستی است و مقر آن در شهر ریشون لسیون^۴ است، شرکت‌های اسرائیلی البیت سیستمز، لوجیک^۵، تاهال^۶ و صنایع هوافضای اسرائیل^۷ را شرکت‌هایی معرفی می‌کند که مدت‌ها قبل از اعلام رسمی عادی‌سازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی با امارات همکاری می‌کردند و تاکنون صدها میلیون دلار تجهیزات نظامی به امارات متحده عربی فروخته‌اند. (Ibid) علاوه بر این، بر طبق گزارش وبسایت «اورشلیم‌پست»^۸ به‌روزرسانی و تجهیز جنگنده‌های اف ۱۶ امارات برعهده شرکت البیت سیستمز و همچنین صنایع هوافضای اسرائیل است. (Melman, 2019)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، البیت سیستمز در معاملات خود با امارات معمولاً از حمایت‌ها و همکاری‌های صنایع هوافضای اسرائیل بهره برده است. به یکی دیگر از این همکاری‌ها در روزنامه «یدیعوت اخرونوت» (آخرین اخبار) مورخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۰ نیز اشاره شده است. در گزارش این روزنامه آمده است که شرکت صنایع هوافضای اسرائیل که یکی از سه شرکت تولیدکننده جنگنده‌های اف ۳۵ در جهان است، به دنبال فروش این جنگنده‌ها به کشور امارات است. فروش این جنگنده‌ها به‌واسطه قراردادی صورت می‌گیرد که در این رابطه میان آمریکا و امارات بسته شده است. در ادامه این گزارش آمده است که این احتمال وجود دارد که در کنار شرکت صنایع هوافضای اسرائیل، شرکت البیت سیستمز که تولیدکننده کلاهدک جنگنده اف ۳۵

1. <https://elbitsystems.com/about-us-introduction/>

2. Hermes 900

3. The Sri Lanka Guardian

4. Rishon LeZion

5. Logic

6. Tahal

7. Israel Aerospace Industries (IAI)

است نیز با تولید این کلاهک‌ها از توافق صورت گرفته میان ایالات متحده و امارات سود ببرد.
(The New Arab, 2020)

یکی دیگر از شرکت‌هایی اسرائیلی که خدمات نظامی و دفاعی به امارات ارائه می‌دهد، «ایروناتیکس دیفنز سیستمز» یا «شرکت سامانه‌های دفاعی ایروناتیکس»^۱ است که در زمینه تولید سامانه‌های دفاعی هوایی و انواع پهپاد فعالیت می‌کند. «آوی لئومی»^۲ (مؤسس و یکی از سران شرکت ایروناتیکس) و «شاهر کراویتز»^۳ (مدیرعامل پیشین شرکت و رئیس اجرایی کامکت)^۴ (از شرکت‌های تابعه ایروناتیکس) نقش مهمی را در پیشرفت تسلیحاتی امارات متحده عربی در سالیان اخیر ایفا کرده‌اند که این موضوع نشان‌دهنده ارتباطات گسترده شرکت ایروناتیکس با کشور امارات متحده عربی در دهه اخیر است. برخی منابع در باب اهمیت لئومی برای کشور امارات این ادعا را مطرح کرده‌اند که امارات رشد تسلیحاتی‌اش در ده سال اخیر را تا حدود زیادی مدیون تلاش‌ها و فعالیت‌های لئومی است. (الامارات ۷۱: ۲۰۲۰/۱۰/۰۹) همچنین، در گزارش روزنامه معاریو^۵ (منتشرشده در ۳ فوریه ۲۰۱۸) شاهر کراویتز و شریک آفریقای جنوبی‌اش «رولاند لیند»^۶ به‌عنوان افرادی معرفی شده‌اند که در زمینه تجهیز ابوظبی به مهمات و ابزارهای نظامی فعالیت می‌کنند. (روزنامه معاریو، ۲۰۱۸، به نقل از وب‌سایت عربی ۲۱)

شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات سایبری، جاسوسی و هوش مصنوعی به امارات متحده عربی از جمله قدرت‌های پشت‌گفتمانی حائز اهمیت رژیم صهیونیستی در پیشبرد گفتمان صلح با امارات متحده عربی، شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات سایبری، جاسوسی و هوش مصنوعی هستند که می‌باید در تحلیل سطح کنش اجتماعی در نظر گرفته شوند. در ادامه به رابطه چند نمونه از این شرکت‌ها با امارات متحده عربی اشاره خواهد شد.

«ان.اس.اُ گروپ»^۷ شرکت نرم‌افزاری و جاسوس‌افزایی اسرائیلی است که در ژوئن ۲۰۰۹، در شهر «هرتلیا»^۸ تأسیس شد و در حوزه جاسوسی در فضای مجازی و تلفن همراه فعالیت می‌کند. معروف‌ترین بدافزار جاسوسی این شرکت، «پگاسوس»^۹ نام دارد که با نصب بر روی تلفن همراه

1. Aeronautics Defense Systems Ltd (ADS)
2. Avi Leumi
3. Shachar Kravitz
4. Comtect
5. Maariv
6. Roland Lind
7. NSO Group
8. Herzliya
9. Pegasus

قادر به خواندن پیام‌های متنی، ردیابی تماس‌ها، جمع‌آوری رمزهای عبور، ردیابی تلفن همراه، دسترسی به میکروفون و دوربین تلفن و جمع‌آوری اطلاعات از تلفن همراه است. (الجزیره، ۲۰۲۰/۰۸/۰۵)

استفاده از بدافزار پگاسوس توسط دولت امارات در عملیات جاسوسی تلفنی از برخی اعضای خانواده سلطنتی قطر و «احمد منصور» (مدافع حقوق بشر، وبلاگ‌نویس و عضو کمیته مشورتی دیده‌بان حقوق بشر در امارات متحده عربی) از جمله شواهد همکاری شرکت «ان.اس.اُ.گروپ» با امارات متحده عربی است. (Marczak & Scott-Railton, 2016)

بر اساس گفت‌وگوها و مصاحبه‌های «شالو هولیو»^۱ (بنیان‌گذار و مدیرعامل شرکت)، می‌توان با اطمینان این موضوع را که کشور امارات از مشتریان فناوری‌های جاسوسی «ان.اس.اُ.گروپ» است، تأیید کرد. او در مصاحبه‌ای درخصوص همکاری شرکت با امارات چنین می‌گوید: «درخصوص پروژه جاسوسی از قطر نیز موفقیت به سرعت حاصل شد. امارات متحده عربی که با قطر رقابت جدی دارد، در سال ۲۰۱۴ از ابزارهای سایبری «ان.اس.اُ» برای رهگیری مکالمات تلفنی و پیامک‌های وزیرخارجه قطر و بعداً توسط خود امیر قطر استفاده کرد. این گفت‌وگوها در ارتباط با صدها میلیون دلار باج برای ایران و حزب‌الله برای آزادی چند قطری صورت گرفت.» (Middle East Monitor, 2019) گفتنی است، بدافزار مذکور توسط اسرائیل در دسته سلاح، طبقه‌بندی شده است و هرگونه صادرات آن باید توسط دولت تأیید شود. (Priest, 2020)

یکی دیگر از شرکت‌های آمریکایی-اسرائیلی که در حوزه امنیت سایبری ارتباطات قابل توجهی با شرکت‌های اماراتی دارد، شرکت نرم‌افزاری «سایبرآرک»^۲ است. سایبرآرک در زمینه پیشگیری از آسیب‌های ناشی از حملات هدفمند سایبری به شرکت‌ها فعالیت می‌کند. بیش از ۶۳۰۰ شرکت در سراسر جهان برای حفاظت از داشته‌های اطلاعاتی، زیرساخت‌ها و پروژه‌های خود با این شرکت قرارداد بسته‌اند. عمده فعالیت شرکت سایبرآرک در امارات، از طریق دو شرکت واسط به نام‌های «ردینگتون گلف»^۳ (شرکت فعال در زمینه فناوری اطلاعات که از سال ۲۰۱۵ با سایبرآرک همکاری می‌کند (Day of Dubai, 2015)) و «اسپایر سولوشنز»^۴ (شرکت فعال در زمینه تکنولوژی‌های پیشرفته امنیت داده‌ها که از سال ۲۰۱۹ قراردادی با شرکت سایبرآرک در زمینه ارائه خدمات امنیت سایبری در امارات بسته است (Zawya, 2019))، انجام می‌شود.

1. Shalev Hulio
2. Cyberark Software Ltd
3. Redington Gulf
4. Spire Solutions

۳-۳. شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات پزشکی به امارات متحده عربی

پس از شیوع ویروس کرونا شرکت‌های اسرائیلی بسیاری تلاش کردند تا جهت مبارزه با این ویروس به امارات متحده عربی نزدیک شوند. نکته جالب توجه این است که بسیاری از شرکت‌هایی که در این زمینه قراردادهای همکاری با شرکت‌های اماراتی امضا کردند، شرکت‌هایی می‌باشند که در حوزه‌های نظامی و دفاعی فعالیت می‌کنند. به نظر می‌رسد همکاری در زمینه مبارزه با کرونا پوششی است برای اینکه صنایع هوافضای اسرائیل، سامانه‌های دفاعی پیشرفته رافائل، البیت سیستمز و برخی بازیگران فناوری‌های جدید نظامی، آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر به تبدلات نظامی با امارات بپردازند. وبسایت هآرتص نیز در گزارشی با عنوان «معامله واقعی اسرائیل و امارات بر سر تسلیحات نظامی است»،^۵ به پوششی بودن مبارزه با ویروس کرونا اشاره کرده است. (Amit, 2020)

حال چنانچه هم فرضیه پوششی بودن مبارزه با کرونا درست باشد، نمی‌توان منکر این موضوع شد که شرکت‌های دفاعی اسرائیلی سرمایه‌گذاری قابل توجهی را در زمینه مبارزه با ویروس کرونا انجام داده و از دستاوردهای آن، جهت تثبیت گفتمان صلح با امارات متحده عربی بهره برده‌اند. بنا بر گزارش «نیویورک تایمز»، اسرائیل پیمانکاران دفاعی، پزشکان، مهندسان، دانشمندان و بسیاری دیگر از افراد و نهادها را در مبارزه با ویروس کرونا بسیج کرده است. (Halbfinger, 2020) از جمله این نهادها، شرکت «سامانه‌های دفاعی پیشرفته رافائل» و «صنایع هوافضای اسرائیل» هستند. (G42-1, 2020)

علاوه بر این، وبسایت اسرائیلی «سی تک»^۶ نیز در گزارشی آورده است که وزارت دفاع رژیم صهیونیستی تلاش‌های زیادی را در زمینه مبارزه با ویروس کرونا انجام داده که از آن جمله تولید دستگاه تنفس برای تشخیص کرونا و نوعی ماسک MOD با یک دمنده برقی است که بخشی از فناوری آن توسط شرکت رافائل انجام شده است. همچنین، شرکت اسرائیلی «نانوسنت»^۷ که یک شرکت ارائه‌دهنده خدمات بیوتکنولوژی است، همکاری‌های جالب توجهی را با «سازمان تحقیقات و توسعه دفاعی وزارت دفاعی اسرائیل»^۸ در زمینه مبارزه با ویروس کرونا انجام داده است. (Etsion&Pick, 2020)

1. Rafael Advanced Defense Systems
2. The Real Deal for Israel and the UAE Is Weapons
3. CTech
4. NanoScent Ltd
5. Israeli Defense Ministry's Directorate of Defense Research and Development (Mafat)

بنابراین، بدیهی است که عمده فعالیت‌ها و همکاری‌های اسرائیل با امارات در زمینه مبارزه با کرونا به واسطه شرکت‌های اسرائیلی «سامانه‌های دفاعی پیشرفته رافائل»، «نانوسنت» و «التا سیستمز»^۴ (وابسته به صنایع هوافضای اسرائیل) انجام شده باشد. در این راستا، شرکت‌های رافائل و التا سیستمز در تاریخ ۲ جولای ۲۰۲۰، قرارداد همکاری‌ای جهت مبارزه با کرونا با شرکت اماراتی «جی ۴۲»^۵ امضا کردند. (G42-1,2020)

جی ۴۲ (گروه ۴۲) شرکتی است که در زمینه هوش مصنوعی^۳ و بر اساس مدل رایانش ابری^۴ فعالیت می‌کند. این شرکت که در سال ۲۰۱۸ در ابوظبی تأسیس شد، توسعه و اجرای راهکارهای تکنولوژیک فراگیر و قابل تکامل در عرصه‌های بهداشت، خدمات، امور مالی، شهرهای هوشمند، نفت و گاز، هواپیمایی و ... را در دستور کار خود قرار داده است. همان‌گونه که گفته شد، جی ۴۲ در زمینه مبارزه با کرونا توافقنامه‌ای را با شرکت‌های رافائل و التا سیستمز منعقد کرد. طبق این قرارداد شرکت‌های اسرائیلی موظف شده‌اند تا از طریق استفاده از هوش مصنوعی و سایر فناوری‌های نوآورانه از جمله لیزر و سنسورها، مبارزه با کووید ۱۹ در کشور امارات را دنبال کنند. (Kore, 2020)

همچنین جی ۴۲ قرارداد دیگری را جهت مبارزه با کرونا با شرکت نانوسنت به امضا رسانده است. این شرکت که در زمینه شناسایی انواع رایحه فعالیت می‌کند، به واسطه این قرارداد موظف شد که در حوزه ابداع شیوه جدید تشخیص کرونا از طریق رایحه بازدم بیماران (که می‌تواند به‌عنوان انقلابی در این حوزه در نظر گرفته شود) فعالیت کند. (G42-2,2020) گفتنی است، «پنگ شیائو»^۵ مدیرعامل جی ۴۲، پس از توافق با رژیم صهیونیستی و تأسیس دفتری در اسرائیل در خصوص اهمیت رابطه با رژیم صهیونیستی چنین بیان کرد: «تأسیس دفتر جدید در اسرائیل، حضور جی ۴۲ را در منطقه تقویت می‌کند و به ما امکان دسترسی به یکی از فعال‌ترین و

1. ELTA Systems
2. Group 42 (G42)
3. Artificial Intelligence
4. Cloud Computing

ابر در اینجا استعاره از شبکه یا شبکه‌ای از شبکه‌های وسیع مانند اینترنت است که کاربر معمولی از پشت صحنه و آنچه در پی آن اتفاق می‌افتد اطلاع دقیقی ندارد (مانند داخل ابر). به عبارت دیگر، دلیل تشبیه اینترنت به ابر در این است که اینترنت همچون ابر جزئیات فنی‌اش را از دید کاربران پنهان می‌سازد و لایه‌ای از انتزاع را بین این جزئیات فنی و کاربران به وجود می‌آورد.

5. Peng Xiao

کامل‌ترین اکوسیستم‌های فناوری و نوآوری در جهان را می‌دهد.» (Arabianbusiness, 2020)

۳-۴. شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات مربوط به امنیت آب و محصولات غذایی به امارات متحده عربی

یکی از مهم‌ترین قدرت‌های پشت‌گفتمانی رژیم صهیونیستی پیشرفت‌های قابل‌توجه این رژیم در خصوص امنیت غذا و آب است. با در نظر گرفتن این نکته که امارات به‌ویژه در تأمین منابع آبی و به‌تبع آن، تأمین محصولات کشاورزی با مشکلات فراوانی روبه‌رو است، وابستگی‌اش به فناوری‌های تأمین آب و غذا را می‌توان به‌عنوان یکی از عواملی به‌شمار آورد که در استقرار و تثبیت گفتمان صلح نقش به‌سزایی را ایفا کرده است. به‌عبارت دقیق‌تر، دبی به‌عنوان پرجمعیت‌ترین شهر امارات، بیش از ۹۸ درصد از منابع آبی خود را از طریق دستگاه‌های آب‌شیرین‌کن تأمین می‌کند. (Piesse, 2020) نمک‌زدایی فرآیندی است که با مصرف انرژی بالایی همراه است و پیش‌بینی می‌شود که حداقل ۲۰ درصد از منابع انرژی اماراتی در پایان دهه سوم قرن ۲۱، به تأمین آب شیرین اختصاص یابد. بنابراین، امارات جهت هدر نرفتن منابع انرژی‌اش، بیش از پیش نیازمند به‌کارگیری تکنولوژی‌های جدید و پیشرفته در زمینه تأمین منابع آب شیرین است. همچنین، بین ۸۵ تا ۹۰ درصد مواد غذایی امارات از طریق واردات تأمین می‌شود، این امر موجب شد که ابوظبی در سال ۲۰۱۹، استراتژی ملی امنیت غذایی‌ای را در دستور کار خود قرار دهد که هدفش افزایش تولید داخلی ۱۸ نوع مواد غذایی از جمله تولیدات گیاهی، دامی، غلات و شیلات، جهت کاهش وابستگی به واردات این محصولات است (Ibid)، این در حالی است که اماراتی‌ها به‌شدت با کمبود خاک حاصلخیز مواجه هستند. از جمله تکنولوژی‌هایی که اماراتی‌ها برای مقابله با کمبود خاک حاصلخیز نیازمند دسترسی به آن هستند، کشت هیدروپونیک^۱ (شیوه کشت گیاه بدون خاک یا آب‌کشت) و همچنین تکنولوژی کشاورزی عمودی^۲ است؛ تکنولوژی‌هایی که در آن‌ها رژیم صهیونیستی دستاوردهای مهمی به‌دست آورده است. (Kavaler, 2020)

با توجه به آنچه گفته شد، امارات بیش از پیش نیازمند تکنولوژی‌های پیشرفته امنیت غذایی و آبی رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از پیشروترین کشورها در زمینه کشاورزی در خشکی، کشت هیدروپونیک و صرفه‌جویی در مصرف آب است. بنابراین، عادی‌سازی روابط این دو کشور، فرصت

1. Hydroponics
2. Vertical Farming

مناسبی را برای اماراتی‌ها جهت استفاده از تکنولوژی‌های اسرائیلی فراهم می‌کند. در این راستا، علاوه بر توافقات انجام شده میان «مریم حارب المهیری»، وزیر امنیت غذایی امارات و «الاون شوستر»، وزیر کشاورزی رژیم صهیونیستی جهت توسعه همکاری‌ها در زمینه امنیت غذایی و آبی (Reuters, 2020)، شرکت‌های خصوصی اسرائیلی نیز با اماراتی‌ها توافقاتی را در زمینه توسعه همکاری‌های دوجانبه انجام داده‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

در تاریخ ۱۹ اکتبر ۲۰۲۰، هیئتی اماراتی به سرپرستی «خدییم عبدالله الدرعی»^۱ نایب‌رئیس و از مؤسسان «هلدینگ الظاهره» که در امارات به «شرکه الظاهره الزراعیه» نیز معروف است، به دعوت شرکت اسرائیلی نتافیم^۴ (یکی از شرکت‌های مطرح در زمینه تولید تجهیزات و توسعه تکنولوژی آبیاری) به سرزمین‌های اشغالی سفر کردند و در مورد راه‌های تقویت همکاری و مشارکت استراتژیک در زمینه کشاورزی و فناوری، توافقاتی را با طرفین اسرائیلی انجام دادند. (WAM-The Emirates News Agency, 2020) به‌طور کلی، در پایان این سفر نیز چهار تفاهم‌نامه همکاری میان الظاهره و شرکت‌های اسرائیلی به امضا رسید که عبارت‌اند از:

- ۱) تفاهم همکاری با شرکت «نتافیم» جهت افتتاح دفتر منطقه‌ای در امارات.
- ۲) تفاهم همکاری با شرکت «گراپا وارگتس»^۵ به منظور ارتقاء همکاری در انواع جدید محصولات.
- ۳) تفاهم همکاری با «مرکز ولکانی»^۶ به منظور تسهیل راه‌اندازی مطالعات مربوط به اثرات شوری بر تولید محصولات کشاورزی.
- ۴) تفاهم همکاری با شرکت «واترجن»^۷ در راستای توسعه فناوری در زمینه تولید آب از هوا. (Ibid)

1. Mariam Al Mheiri
2. Alon Schuster
3. Khadim Abdulla Aldarei
4. Netafim
5. Grapa Vargets
6. Volcani Centre
7. WaterGen

۳-۵. امکان ارتقای توان علمی و تحقیقاتی امارات از طریق همکاری‌های علمی دوجانبه

رژیم صهیونیستی از توان علمی و تحقیقاتی خود بهره قابل توجهی را جهت پیشبرد توافقنامه صلح با امارات برده است. وعده‌های اسرائیل درخصوص تحقیقات مشترک در زمینه اکتشافات فضایی، باستان‌شناختی، امنیت غذایی و آب و غیره (Gibney, 2020) را نمی‌توان در تحلیل کنش اجتماعی منجر به صلح میان اسرائیل و امارات نادیده گرفت. بی‌شک قدرت علمی و تحقیقاتی اسرائیل، این امکان را برای محققان اماراتی فراهم می‌کند تا در شرایط برقراری صلح از پایگاه‌های علمی و تحقیقاتی معتبر اسرائیلی بهره‌مند شوند و در زمینه علمی با شرکت‌های فناوری اسرائیلی قراردادهایی را امضا کنند.

یکی از تفاهات علمی انجام‌شده امارات و رژیم صهیونیستی، میان «مؤسسه علوم و ایزمن»^۱ اسرائیل و «دانشگاه هوش مصنوعی محمدبن‌زاید»^۲ در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۰ انجام شد و مقرر شد که طرفین علاوه بر تبادل دانشجو و برگزاری همایش‌ها و نشست‌های مشترک، مؤسسه مجازی مشترکی برای هوش مصنوعی تأسیس کنند. (Weizmann Institute of Science, 2020) شایان ذکر است، مؤسسه علوم و ایزمن یکی از مؤسسات با رتبه علمی بالا در حوزه تحقیقات چندرشته‌ای محسوب می‌شود، در حالی که دانشگاه هوش مصنوعی محمدبن‌زاید در حال ۲۰۱۹ تأسیس شد و هنوز تحقیقات علمی قابل توجهی را انجام نداده است.

از جمله رویدادهای علمی جالب توجه میان امارات و رژیم صهیونیستی، مقاله‌های مشترک فراوان میان محققان اسرائیلی و اماراتی در سه سال اخیر است. بر اساس اسناد منتشرشده در پایگاه علمی اسکوپوس^۳ از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹، محققان اماراتی و اسرائیلی ۲۴۸ مقاله مشترک تألیف کرده‌اند. این درحالیست که در سال ۲۰۱۰، اولین مدرک دکتری از دانشگاه‌های اماراتی صادر شده است. (Gibney, 2020)

علاوه بر این، با توجه به اینکه در چشم‌انداز ۲۰۲۴ امارات، ارسال کاوشگر به فضا قرار دارد و این کشور به‌طور جدی در پی دستیابی به این هدف است (I24NEWS, 2020)، احتمال همکاری‌های علمی میان شرکت «اسپیس آی.ال»^۴ (سازمان غیرانتفاعی و غیردولتی اسرائیلی است که در زمینه پیشرفت دانش فضایی و آموزش این علوم فعالیت می‌کند) و امارات متحده

1. Weizmann Institute of Science
2. Mohamed bin Zayed University of Artificial Intelligence (MBZUAI)
3. Scopus
4. SpaceIL

عربی وجود دارد. گفتنی است، «اسپیس آی.ال» در تاریخ ۲۲ فوریه ۲۰۱۹، فضایمای «جنسیس»^۱ را به‌سوی ماه ارسال کرد. (Arch Mission Foundation, 2019)

۳-۶. دسترسی امارات از طریق بنادر اسرائیلی به اروپا

یکی از مواردی که در تحلیل سطح کنش اجتماعی باید به آن توجه کرد، دسترسی دریایی امارات به اروپا از طریق بنادر اسرائیلی است. به‌بیان دقیق‌تر، عادی‌سازی روابط میان امارات و رژیم صهیونیستی این امکان را برای یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های ترابری جهان یعنی «دی.پی. ورلد»^۲ (شرکت ترابری دریایی اماراتی و یکی از بزرگ‌ترین اپراتورهای بنادر جهان که در زمینه ارائه خدمات کشتیرانی، اپراتوری بنادر و خدمات لجستیکی فعالیت می‌کند) فراهم می‌کند تا به بنادر حیاتی خود در اروپا به‌آسانی دسترسی داشته باشد. «سلطان احمد بن سلیمان»^۳، مدیرعامل و رئیس شرکت دی.پی. ورلد در کنفرانس مشترک مطبوعاتی با اسرائیلی‌ها درخصوص امکاناتی که صلح با اسرائیل برای آن‌ها فراهم می‌کند، چنین گفت: «امکانات بندری (در اسرائیل) به ما این اجازه را می‌دهد که بنادر خود را در اروپا به‌خاورمیانه متصل کنیم.» (Mubasher, 2020)

در این راستا، «دی.پی. ورلد» جهت ایجاد یک مسیر حمل‌ونقل مستقیم میان بندر ایلات^۴ در دریای سرخ و بندر جبل‌علی^۵ دبی تفاهم‌نامه‌ای را با شرکت اسرائیلی «داورتاور»^۶ در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۰، امضا کرد. طبق این تفاهم‌نامه طرفین موظف شدند تا برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و تجاری فرصت‌های ایجاد و گسترش زیرساخت میان دو کشور را ارزیابی کنند. گفتنی است، شرکت «داورتاور» متعلق به «شلومی فوگل»^۷ مالک بندر ایلات و یکی از دو مالک «کشتی‌سازی اسرائیل»^۸ است. (Ibid)

نتیجه‌گیری

صلح میان رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی دستاورد مهمی برای صهیونیست‌ها محسوب می‌شود؛ زیرا برای نخستین‌بار آن‌ها توانستند در مواجهه با کشوری عرب‌زبان بدون گفت‌وگو بر

1. Genesis-
2. DP World
3. Sultan Ahmed bin Sulayem
4. Eilat
5. Jebel Ali
6. Dover Tower
7. Shlomi Fogel
8. Israel Shipyards

سر مسائلی نظیر زمین و اراضی اشغالی، گفتمان «صلح برای صلح» را مسلط سازند؛ گفتمانی که از اولویت حقوق شهروندی و زندگی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر، خسته‌شدن از جنگیدن و لزوم همکاری و اتحاد سخن می‌گوید و بدین ترتیب، نزاع بر سر زمین و اراضی اشغالی را به موضوعی پیش‌پافتاده تبدیل می‌کند. بی‌تردید، استقرار و تثبیت چنین گفتمانی اتفاق خوشایندی برای محور مقاومت محسوب نمی‌شود.

استقرار صلح میان رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی را می‌توان از زوایای گوناگونی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. یکی از این زوایا، تحلیل گفتمان و به بیان دقیق‌تر، تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف است. از این منظر، بخشی از ماجرا در زبان رخ می‌دهد و فهم آن مستلزم بررسی ابعاد مختلف «قدرت در گفتمان» است که فرکلاف رویکرد روشی متناسب با آن را بر اساس دو سطح توصیف و تفسیر توضیح می‌دهد؛ بخش دیگری از ماجرا نیز در سطح غیرگفتمانی رخ می‌دهد و فهم آن مستلزم بررسی ابعاد و مؤلفه‌های مختلف «قدرت پشت گفتمان» است و فرکلاف رویکرد روش‌شناختی متناسب با آن را در سطح تبیین که معطوف به فهم کنش اجتماعی است، تشریح می‌کند.

بررسی ابعاد مختلف قدرت پشت گفتمانی «گفتمان صلح» میان امارات و رژیم صهیونیستی این امکان را فراهم می‌کند تا به‌طور انضمامی‌تری کنش اجتماعی منجر به صلح و به تبع آن این مسئله را درک کنیم که چرا امارات به‌عنوان کشوری عرب‌زبان، بدون هیچ‌گونه چانه‌زنی بر سر اراضی اشغالی به گفتمان صلح و گزاره‌هایی نظیر رعایت حقوق شهروندی و لزوم همزیستی مسالمت‌آمیز با اسرائیلیان رضایت داد.

در تبیین سطح کنش اجتماعی و بررسی ابعاد قدرت پشت گفتمان رژیم صهیونیستی، نخست باید از یک سو به نفوذ آمریکا بر پادشاهی امارات متحده عربی و از سوی دیگر، به نفوذ لابی‌های یهود بر اولویت‌ها و سیاست خارجه آمریکا در خاورمیانه اشاره کرد. نفوذ لابی‌های یهود موجب شده است که یکی از مهم‌ترین اولویت‌های آمریکا در خاورمیانه بقای اسرائیل و به تبع آن لزوم پیشبرد صلح میان اعراب و اسرائیل باشد. بنابراین، لابی‌گری یهودیان در سیاست خارجه آمریکا را باید یکی از مهم‌ترین ابعاد قدرت پشت گفتمانی رژیم صهیونیستی در نظر گرفت؛ لابی‌گری‌ای که هم‌زمان با پیشبرد پروژه ایران‌هراسی، باعث شده تا دولت آمریکا زمینه همکاری میان اعراب و اسرائیل را فراهم کند.

علاوه بر این، شرکت‌های دولتی و همچنین شرکت‌های پیشرفته ظاهراً خصوصی رژیم صهیونیستی که خدمات قابل توجهی در زمینه‌های مختلف نظامی، سایبری، جاسوسی و اطلاعاتی، بهداشتی، کشاورزی، امنیت آبی و غذایی ارائه می‌دهند، یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم قدرت پشت

گفتمانی رژیم صهیونیستی هستند که نباید در سطح کنش اجتماعی آن‌ها را نادیده گرفت. همان‌طور که در بدنه پژوهش نشان داده شد، امارات متحده عربی به دلیل وابستگی شدید به فناوری‌ها و تولیدات شرکت‌های خصوصی رژیم صهیونیستی، در طی سالیان اخیر و به‌ویژه پس از امضای تفاهم‌نامه صلح آبراهام، قراردادهای همکاری قابل‌توجهی با شرکت‌های خصوصی اسرائیلی منعقد کرده است. در نتیجه، توان بالای تکنولوژیک و قدرت تولیدی شرکت‌های اسرائیلی را باید به‌عنوان قدرت‌های پشت‌گفتمانی مهمی در پیشبرد گفتمان صلح در نظر گرفت.

علاوه بر موارد فوق، پیشرفت علمی و تحقیقاتی رژیم صهیونیستی و موقعیت ژئوپلیتیکی بنادر این رژیم که می‌تواند دسترسی دریایی شرکت‌های اماراتی به کشورهای اروپایی را تسهیل کند، از دیگر قدرت‌های پشت‌گفتمانی رژیم صهیونیستی محسوب می‌شوند؛ همان‌طور که آورده شد، امارات در این حوزه‌ها قراردادهای همکاری قابل‌ملاحظه‌ای را با شرکت‌های اسرائیلی منعقد کرده است.

References

- Al-Jazeera (2020); "From inside the UAE...an Israeli company employee uses its technology to spy on his girlfriend", Al-Jazeera, 05/08/2020. (In Persian)
- Amit, Hagai (2020): "The Real Deal for Israel and the UAE Is Weapons", haaretz, August.
- Arabian, Business (2020): "Abu Dhabi-based Group 42 to establish international office in Israel", September.
- Arabic 21 (2018): "Knowledge reveals the details of the interest of Israeli soldiers in Abu Dhabi", at: Arabic 21, 03/02/2018.
- Arch Mission Foundation (2019): The first library on another celestial body.
- Ardistani, Ahmed Bakhshayesh (2009): "The Analysis of Discourse and Rethinking about Society", Political Quarterly, Spring, Volume 39, Issue 1, Serial Number 1, PP. 57-66. (In Persian)
- Bowen, Jeremy (2020), "UAE and Bahrain agree with Israel; Dalil Ahimit, Where is the West Compatibility", published by "BBC News Farsi" on September 16. (In Persian)
- Cohen, Edy (2020): "Qatar Is Pro-Iran and Anti-Gulf Arabs", The Begin-Sadat Center for Strategic Studies, September.
- Day of Dubai (2015): "Redington Value partners with CyberArk to boost MEA enterprises with added layer of security", October.

- Dehghani, Mahmoud (2006): “The prospects for Middle East peace and recent developments in Israel and Palestine”, *Rahbord Journal*, Spring, Volume 14, Issue 1, Serial Number 39, PP. 97-112. (In Persian)
- Dershowitz, Alan (2006): *The Case for Peace: How the Arab-Israeli Conflict Can be Resolved*, New Jersey: Wiley.
- Emadi, Seyed Razi (2016): “Peace Agreement between the UAE and the Zionist Regime: Significance, Goals and Consequences”, published on the website of the Tabyin Center For Strategic Studies, August 17. (In Persian)
- Emirates 71 (2020): “An Israeli military services company is considering investing in the UAE”, 10/9/2020. (In Persian)
- Etsion, Udi and Adi, Pick (2020): *Breathalyzer to Diagnose Coronavirus is Latest Disease-Fighting Device to Emerge from Israeli Defense Tech Units*, May.
- Fairclough, N (1995): *Media Discourse*, London: Edward Arnold.
- Fairclough, N (1996): *Language and power*, Longman, Group UK Limited.
- Fairclough, N (2003): *Analysing Discourse, Textual Analysis for Social Research*, London: Routledge.
- Fairclough, Norman (2000): *Critical Analysis of Discourse*, Translated by a group of translators, Tehran: Publishing Center of Media Studies and Research Center. (In Persian)
- Faryaders, Mohammad (2001): “Critique and Introduction of the book: *Actors of the Middle East Peace Process*”, *Foreign Policy Quarterly*, Spring, Year 15, Issue 1, PP. 313-316. (In Persian)
- Fuller Graham W. (1990): “The Middle East in US Soviet Relations”, *Middle East Journal*, Summer, Vol.44, No3.
- G42-1 (2020): “G42 joins forces with Israeli Rafael and IAI to defeat Covid-19”, July.
- G42-2 (2020): “Detecting COVID-19 From Scent: G42 Healthcare and NanoScent To Collaborate On Breakthrough Solution”, August.
- Ghajri, Hossein Ali and Nazari, Javad (2013): *Application of Discourse Analysis in Social Research*, Tehran: Sociologists Publishing. (In Persian)
- Gibney, Elizabeth (2020): “Israel–Arab peace accord fuels hope for surge in scientific collaboration”, *nature*, September.

- Haghghat, Sadegh (2012): Methodology of Political Science, Third Edition, Qom: Mofid University Press. (In Persian)
- Haghghat, Sadegh and Hosseinizadeh, Mohammad Ali (2008): "Discourse", In: Approach and Method in Political Science, By Abbas Manouchehri, Tehran: Samat Publications. (In Persian)
- Halbfinger, David (2020): "Israeli Army's Idea Lab Aims at a New Target: Saving Lives", The New York Times, May.
- Hazani, Golan (2020): "Cyber, defense and water projects: Israeli companies have made billions working in the UAE", CTech, August.
- Howarth, David (2000): "Discourse Theory", Translated by Amir Mohammad HajiYousefi, In: Collection of Articles on Discourse and Discourse Analysis, By Mohammad Reza Tajik, Tehran: Farhang-e-Goftman publication. (In Persian)
- I24NEWS (2020): "United Arab Emirates plans unmanned space mission to the moon in 2024", September.
- Janks, Hillary (1997): Critical Discourse Analysis as a research tool. In: Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education, 18(3).
- Jorgensen, Marian and Phillips, Louise (2010): Theory and Method in Discourse Analysis, Translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Kampeas, Ron (2020): "Adelsons said to pledge up to \$50 million in final Trump campaign push", The Times of Israel, September.
- Kavalier, Tara (2020): "UAE, Israel Both Expect to Benefit from Agricultural Ties", The Media Line, August.
- Kore (2020): "Companies from Israel and Abu Dhabi will fight together in Corona", July.
- Marczak, Bill & Scott-Railton, John (2016): "NSO Group's iPhone Zero-Days used against a UAE Human Rights Defender", August.
- Melman, Yossi (2019): "Intelligence Report: The Israel-Abu Dhabi connection", The Jerusalem Post, June.
- Middle East Monitor (2019): "Israel company admits spying on Emir of Qatar", January.
- Mousavyfar, Razieh (2016): "Relationship between Iran and USA: Iran-US relations; The issue of Israel", Political Quartely, Summer, Volume 46, Issue 2, PP 497-514. (In Persian)
- Mubasher (2020): "DP World partners with Israel's DoverTower for trade links between UAE, Israel", September.

- Negm, Mohamed Said (2015): “Resisting Power in Discourse”, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 192.
- Nixon, Richard (1992): *Finding Opportunity: America's Task in a World with a Superpower*, Translated by Hossein Vafinejad, Tehran: Tarh-e- No Publications. (In Persian)
- Nozari, Hamzeh, Jamshidiha, Ghalamreza, Gholamipoor, Esmail and Irani, uosef (2013): “The usefulness of critical discourse according to Fairclough in analyzing the concrete texts: the analysis of media text focusing on current social and economic crisis in Europe and the U.S.”, *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, Spring, Volume 2, Issue 1, Serial Number 1, PP. 153-176.
- Piesse, Mervyn (2020): “UAE and Israel Discuss Closer Co-operation in Food and Water Security”, *Future Directions*, September.
- Priest, Dana (2020): “Spyware technology found on phone of Moroccan journalist”, June.
- Rabinovich, Itamar (1999): *Waging Peace: Israel and the Arabs at the End of the Century*, New York: Farrar Straus & Giroux.
- Reuters (2020): “UAE and Israel discuss cooperation on food and water security”, August.
- Tajik, Mohammad Reza (2004): *Discourse and Counter-Discourse and Politics*, Tehran: Institute for Research and Development of Humanities. (In Persian)
- Tessler, Mark (2001): *Israel at Peace with the Arab World*, Translated by Hosseini Novin, Tehran: Islamic Revolutionary Guard Corps, High War Period. (In Persian)
- The Guardian (2020): “Sheldon Adelson to donate \$100m to Trump and Republicans”, *The Guardian*, February.
- The New Arab (2020): “Israeli firms hope to manufacture F-35 parts for UAE arms deal”, September.
- Tusi, Mahdi and azad, ali (2018): “An Investigation of the Role of Israel’s Parties in the Process of the Middle East Peace (2014-1993)”, *Political Science Quarterly*, Spring, Volume 14, Issue 42, PP.215-247. (In Persian)
- van Dijk, Teun Adrianus (2010): *Studies in Discourse Analysis; From grammar to critical discourse*, Translated by a group of translators, Tehran: published by the Office of Media Studies and Development. (In Persian)

- WAM - The Emirates News Agency (2020): “Emirati delegation visits Israel to discuss agricultural, investment cooperation”, October.
- Weizmann Institute of Science (2020): “The Weizmann Institute of Science and Mohamed bin Zayed University in the UAE to Collaborate on Artificial Intelligence Research”, September.
- Who Profits (2014): “Elbit Systems’ Complicity in the Assault on Gaza 2014”, November.
- Zawya (2019): “Spire Solutions to Deliver Advanced Privileged Access Management Solutions”, May.